

## خوانش تفسیری آیه «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا...» در تفاسیر المنار، المیزان و تسنیم

سید حسین شفیعی دارابی\*

### چکیده

پیوند مضمون آیه «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَ هَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ...» با عصمت حضرت یوسف علیه السلام موجب افزایش توجه مفسران فریقین به مضمون آن شده است. مقاله حاضر که به شیوه توصیفی - تحلیلی نگارش یافته به دنبال شناسایی رویکرد مفسران تفاسیر: المنار، المیزان و تسنیم در مورد متعلق اراده یوسف علیه السلام و زلیخا است. نتیجه برآمده از مباحث مقاله چنین است: این سه مفسر، در حالی که در نفی دیدگاه منکران عصمت حضرت یوسف علیه السلام و نقد مستندهای روایی آنان، اتفاق نظر دارند اما در تعیین متعلق اراده این پیامبر الهی و زلیخا، دچار اختلاف هستند؛ به گونه‌ای که مؤلف تفسیر المنار، بر تعدد متعلق آن دو تأکید دارد؛ در حالی که مؤلفان دو تفسیر دیگر، بر وحدت متعلق اراده آنها؛ یعنی اراده سوء پافشاری می‌نمایند؛ با این تفاوت که زلیخا، در جهت تحقق آن نیز کوشا بوده اما سرانجام ناکام ماند ولی حضرت یوسف علیه السلام به جهت برخورداری از برهان ربّ، نه تنها برای عملیاتی کردن آن، کوششی ننمود، بلکه از قصد به آن نیز دور بوده است.

### واژگان کلیدی

آیه ۲۴ یوسف، «هَمَّتْ»، «هَمَّ»، وحدت متعلق، تعدد متعلق، برهان ربّ.

## طرح مسئله

بر پایه مفاد روشن آیه «... مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ...» (آل عمران / ۷)، بخشی از آیات قرآنی، «متشابه» محسوب می‌شوند. امام صادق علیه السلام در تعریف این دسته از آیات فرمود: «و المتشابه ما اشتبه علي جاهله؛ و متشابه آن است بر کسی که نداند مشتبه شود». (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۶۲ / ۱) علامه طباطبایی، ضمن بیان اقوال شانزده‌گانه در جهت تعریف از آیات «متشابه» و نقد تک‌تک آنها (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳ / ۴۳ - ۳۱)؛ در مقام تعریف می‌نویسد:

و متشابه، آیه‌ای است که در افاده مدلول خود، استقلال نداشته باشد و به واسطه ردّ به سوی محکمات روشن خواهد شد، نه این‌که هیچ‌گونه راهی برای فهم مدلول آن در دسترس نباشد. (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۵۵ و ۵۶)

مؤلف تفسیر تسنیم نیز، پس از بیان معنای لغوی «متشابه» به «همگونی در کیفیت و مماثلت و همانندی در ذات»، (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۱۳ / ۱۰۲) در بیان معنای اصطلاحی آن چنین آورده است: «متشابه در اصطلاح به آیتی گفته می‌شود که تفسیر آنها به سبب شباهتشان به غیر، دشوار است» (همان: ۱۰۳)؛ روایت نبوی «وَمَا تَشَابَهَ عَلَيْكُمْ فَأَمُوا بِهِ» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲ / ۸) حاکی از این است که ما موظفیم به آیات متشابه قرآن کریم همچون آیات محکم آن، مؤمن باشیم و آنها را نیز کلام الهی بدانیم؛ و پس از بازگرداندن آنها به آیات محکم الهی و کشف مراد از آنها، به مفاد آنها عمل نماییم؛ امام هشتم علیه السلام در تمجید از این اقدام، فرموده است: «مَنْ رَدَّ مُتَشَابِهَ الْقُرْآنِ إِلَى مُحْكَمِهِ هُدًى إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛ (صدوق، ۱۴۰۴: ۱ / ۲۹۰) کسی که متشابه قرآن را به محکم آن رد کرد به راه راست هدایت یافت».

مؤلف تفسیر تسنیم، با لحاظ این‌گونه روایات می‌نویسد: «به ظاهر متشابه نمی‌توان تمسک و عمل کرد، ولی پس از ارجاع آن به حقیقت آن، منعی از عمل به آنها نیست». (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۱۳ / ۲۲۸) باور بعضی از دانشوران علوم قرآنی این است که آیات «مجمّل»، «مؤوّل» و «مشکل» نیز از «آیات متشابه» قرآن محسوب می‌شوند؛ زیرا آیات مجمّل به تفسیر، آیات مؤوّل به تأویل و آیات مشکل به رفع اشکال نیاز دارد. (صالح، ۱۳۷۲: ۲۸۲)

مبهم بودن مقصود از فراز: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ وَ هَمَّ بِهَا» از آیه ۲۴ سوره یوسف، موجب گردید تا از آن نیز، به‌عنوان «آیه متشابه» قرآنی یاد شود و در شمار «آیات مشکله» قرار گیرد؛ (سبحانی، ۱۳۷۷: ۴) همین حیثیت سبب گشت تا پیرامون فراز مذکور، طرح مباحثی فراوان، شکل گیرد.

در این مقاله تلاش می‌شود تا ضمن بیان و بررسی نقطه نظرهای رشید رضا، سید محمدحسین

طباطبایی و جوادی آملی در جهت تعیین مفهوم لغوی و اصطلاحی ماده «هَمَّ»؛ نگاه تفسیری آنان پیرامون فراز «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ وَهَمَّ بِهٍ لَوْ لَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهٍ» مورد واکاوی قرار گیرد؛ تا از این طریق، هم با نقاط اشتراک و افتراق دیدگاه‌هایشان در جهت مذکور آشنا گردیم و هم در قضاوت به درستی یا نادرستی تمام یا بخشی از گفتارشان، دچار خطا نشویم.

### اهمیت تحقیق

مفاد حدیث مشهور نبوی: «الْقُرْآنُ دَلُولٌ ذُو وَجُوهِ فَأَحْمِلُوهُ عَلَيَّ أَحْسَنَ أَلْوَجُوهِ»؛ قرآن دلول (و رام) و ذو وجوه است، پس آن را بر بهترین وجوهش حمل (و معنا) کنید»، (دارقطنی بغدادی، ۱۳۸۷: ۴ / ۸۲؛ متقی هندی، ۱۴۰۵ - ۱۹۸۵: ۱ / ۵۵۱؛ احسائی، ۱۴۰۵: ۴ / ۱۰۴) و مضمون روایت علوی: «وَتَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ وَتَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رِبْعُ الْقُلُوبِ وَاسْتَشْفُوا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءُ الصُّدُورِ وَ أَحْسَنُوا تِلَاوَتَهُ فَإِنَّهُ أَنْفَعُ الْقَصَصِ»؛ قرآن را بیاموزید که بهترین گفتار است، و آن را نیک بفهمید که بهار دل‌هاست، از نور آن شفا و بهبودی خواهید که شفای سینه‌های بیمار است و قرآن را نیکو تلاوت کنید که سودبخش‌ترین داستان‌هاست»، (شریف رضی، ۱۳۹۱: ۲۱۰) گویای این حقیقت است که هرگونه تلاش مشروع و مناسب در جهت تفسیر و فهم آیات شریفه، اقدامی مهم و دارای شرافت و فضیلت می‌باشد. (سیوطی، ۱۴۲۱: ۱۹۷ / ۴؛ زرقانی، بی‌تا: ۲ / ۹)

بی‌تردید، هیچ‌گاه نمی‌توان ضریب اهمیت تلاش در جهت تفسیر و فهم مجموعه آیات قرآنی را، هم‌طراز تلقی نمود؛ چون محتوای برخی از آیات این کتاب آسمانی، ناظر به یک و یا چند امر ضروری دین می‌باشد؛ در نتیجه، ضریب اهمیت تفسیر و فهم این سلسله از آیات، بیشتر از بقیه خواهد بود؛ بدین جهت می‌گوییم: چون مفاد فراز «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ وَهَمَّ بِهَا...» مرتبط با مسئله «عصمت» حضرت یوسف علیه السلام است، (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱ / ۱۳۲؛ رازی، ۱۴۲۰: ۱۸ / ۴۴۰؛ رشید رضا، ۱۳۷۲ - ۱۹۳۵: ۱۲ / ۲۸۴ - ۲۷۹) ضریب اهمیت تلاش در جهت تفسیر این فراز، بالا و در خور توجهی بیشتر می‌باشد؛ فخر رازی، از جمله مفسرانی است که در پرتو عبارت: «اعلم أن هذه الآية من المهمات التي يجب الاعتناء بالبحث عنها...» به‌صراحت از اهمیت این آیه و لزوم توجه به بحث از مفاد آن اعتراف نموده است. (رازی، ۱۴۲۰: ۱۸ / ۴۳۹)

### پیشینه تحقیق

در پی تتبع صورت یافته در جهت شناسایی نوشته‌های مرتبط با تفسیر آیه ۲۴ سوره یوسف، روشن گردید که تبیین و تفسیر این آیه (به جهت گره خوردنش با مسئله «عصمت» یکی از انبیاء الهی)، نه تنها مورد

توجه دقیق و همه‌جانبه مفسران فریقین قرار گرفته؛ بلکه برخی از مستشرقان نیز به شرح و بسط مضمون آن روی آورده‌اند؛ از باب نمونه: «پال ای واکر»، با نگارش مقاله‌ای تحت‌عنوان «عصمت» و چاپ آن در دائرةالمعارف قرآنی لایدن، کوشیده است تا با ارائه برداشتی ناصواب از این آیه، مضمون آن را نافی عصمت پیامبری همچون یوسف علیه السلام جلوه دهد. (رضی بهابادی، ۱۳۹۳: ۱۸۰ - ۱۴۹)

در یک دسته‌بندی کلی می‌توان، مجموعه پژوهش‌های تدوین یافته پیرامون آیه ۲۴ یوسف را به سه دسته تقسیم نمود:

#### الف) پیشینه‌های عام

آنچه که دانشوران مسلمان به‌ویژه مفسران فریقین، در خلال متون تفسیری و غیرتفسیری خود در جهت شرح و تفسیر مجموعه فرازهای آیه ۲۴ سوره یوسف ذکر نموده‌اند، از پیشینه‌های عام و «غیرمستقل» این تحقیق محسوب می‌شوند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵ / ۳۴۵ - ۳۴۰؛ ابن‌شهر آشوب مازندرانی، ۱۴۱۰: ۲۳۴ - ۲۳۲؛ رازی، ۱۴۰۸: ۱۱ / ۵۵ - ۴۷؛ رازی، ۱۴۲۰: ۱۸ / ۴۴۴ - ۴۳۹؛ ابن‌عطیه اندلسی، ۱۴۲۲: ۳ / ۲۳۵ - ۲۳۴؛ ابن‌عاشور، بی‌تا: ۱۲ / ۵۰ - ۴۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱ / ۱۴۰ - ۱۲۶؛ رشید رضا، ۱۳۷۲ - ۱۹۵۳: ۱۲ / ۲۸۶ - ۲۸۷)

#### ب) پیشینه‌های خاص

جمعی از محققان، بی‌آنکه به‌صورت صریح و شفاف، از نقطه نظرهای رشید رضا، علامه طباطبایی و جوادی آملی در جهت تفسیر آیه ۲۴ سوره یوسف یاد نموده باشند، در قالب نگاشته‌هایی مستقل، به تفسیر مجموعه و یا برخی از فرازهای این آیه پرداخته‌اند؛ از باب نمونه:

۱. سبحانی، جعفر، ۱۳۷۷ ش، «تفسیر آیات مشکله قرآن مجید (رمزگشائی از شاه بیت سوره یوسف)»، *درس‌هایی از مکتب اسلام*، سال ۳۸، ش ۱، ص ۱۳ - ۹.
۲. رهبری، حسن، ۱۳۸۸ ش، «یوسف علیه السلام، رزم‌آزمای معرکه نفس»، *فصلنامه پژوهش‌های قرآنی*، ش ۵۸، ص ۱۷۹ - ۱۵۶.
۳. رستگار جزئی، پرویز و علیرضا عزیزیان غروی، ۱۳۹۷ ش، «نگاهی نو بر پایه محورهای ادبی به تفسیر آیه ۲۴ سوره یوسف علیه السلام»، *پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن*، ش ۱۲، ص ۱۸۶ - ۱۷۵.
۴. دشتی آهنگر، مصطفی، ۱۳۹۸ ش، «بررسی واحدهای روایی داستان یوسف در چهار متن تفسیری کهن فارسی»، *متن‌شناسی ادب فارسی*، ش ۴۳، ص ۱۱۴ - ۹۷.
۵. مصالایی‌پور یزدی، عباس، ۱۳۸۹ ش، «تحلیل و بررسی روش تفسیری شیخ بهایی»، *پژوهش‌های قرآن و حدیث*، ش ۱، ص ۱۸۴ - ۱۶۵.

خوانش تفسیری آیه «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ وَهَمَّ بِهَا...» در تفاسیر المنار، المیزان و تسنیم □ ۳۱

۶. موسوی طباطبایی، سید ابوالحسن، «یوسف صدیق علیه السلام و برهان پروردگار»، *روزنامه کیهان*، سال هفتاد و هفتم، شماره ۲۲۱۰۴.

۷. بلوکی، افضل و محمدعلی مصلح‌نژاد، ۱۳۹۹ ش، «تحلیل مفهوم واژه‌های «رب» و «برهان» در آیه «لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ»، *مطالعات تفسیری*، ش ۴۱، ص ۷۴ - ۵۷.

۸. ربانی گلپایگانی، علی و سید کریم واعظ حسینی، ۱۳۹۳ ش، «منشأ عصمت»، *کلام اسلامی*، ش ۹۰، ص ۷۷ - ۵۱.

۹. آسه، جواد، ۱۳۹۸ ش، «نقدی بر توجیه اعرابی و تفسیر آیه ۲۴ سوره یوسف در کتاب الأثر العقدی»، *پژوهش‌های زبانشناختی قرآن*، ش ۱۶، ص ۱۴۴ - ۱۲۹.

۱۰. رستگار جزی، پرویز و علیرضا عزیزیان غروی، ۱۳۹۷ ش، «نگاهی نو بر پایه محورهای ادبی به تفسیر آیه ۲۴ سوره یوسف علیه السلام»، *پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن*، ش ۱۲، ص ۱۸۶ - ۱۷۵.

۱۱. پروان، صدیقه و حسین علوی‌مهر، «نگرشی نو به برهان رب»، در نوبت انتشار در مجله مطالعات تفسیری.

### ج) پیشینه‌های «أُخْصَ»

در دهه اخیر، برخی از قرآن‌پژوهان، در خلال نگاشته‌های محققانه خویش، ضمن طرح دیدگاه تفسیری علامه طباطبایی در جهت تفسیر از فراز: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ وَهَمَّ بِهَ لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ»، به نقل نقدهای این مفسر شیعی بر دیدگاه و دلایل رشید رضا در جهت مذکور روی آورده‌اند؛ از جمله:

۱. کتاب *المنار در آینه المیزان*؛ در این کتاب، به صورتی بسیار فشرده، به دیدگاه و دلایل رشید رضا در جهت شرح بخشی از قصه یوسف علیه السلام و زلیخا، و نقدهای علامه طباطبایی و برخی دیگر از مفسران نسبت به آنها، پرداخته شده است. (گودرزی، ۱۳۹۶: ۱۰۷ - ۹۳)

۲. مقاله «چیستی متعلق «هَمَّتْ بِهٍ وَهَمَّ بِهَا» و معنای «سوء» و «فحشاء» در آیه ۲۴ سوره یوسف»؛ در این مقاله، ضمن نقل فشرده دیدگاه علامه طباطبایی و رشید رضا در جهت تفسیر فراز: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ وَهَمَّ بِهَ لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ»، به صورت محدود، نیز شاهد ذکر نقدهای علامه طباطبایی بر اندیشه و دلیل رشید رضا در این راستا هستیم. (ر. ک: براتی، ۱۳۹۸: ۵۶ - ۳۳)

### قلمرو تحقیق

در سه کتاب تفسیری *المنار*، *المیزان*، و *تسنیم* شاهد طرح مباحثی متنوع در جهت تفسیر هریک از

فرازهای چهارگانه آیه ۲۴ سوره یوسف («وَلَقَدْ هَمَّتْ يَهُ وَيَهُ وَيَهُ»، «لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ»، «كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ» و «إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ») هستیم؛ طبیعتاً در قالب یک مقاله، بیان و تحلیل مجموعه سخنان طرح شده از سوی مؤلفان این متون تفسیری در ذیل تک‌تک این فرازها، امری غیرممکن است؛ بدین جهت در ادامه این مقاله، در پرتو عناوین پیش‌روی، تنها به نقل و بررسی مهم‌ترین سخنان مفسران سه تفسیر یادشده در ذیل دو فراز اول و دوم این آیه پرداخته خواهد شد:

### مفهوم «هَمَّتْ» و «هَمَّ»

بی‌تردید، نخستین گام برای به‌دست آوردن فهم درست از فراز: «وَلَقَدْ هَمَّتْ يَهُ وَيَهُ وَيَهُ» (یوسف / ۲۴) این است که با مفهوم لغوی و تفسیری دو واژه کلیدی «هَمَّتْ» و «هَمَّ» آشنا گردیم:

### الف) دیدگاه واژه‌شناسان

اگرچه ابن‌دُرَید، در بیان معنای ریشه «هَمَّ»، تنها از معنای «قصد» و «تصمیم‌گیری» یاد نموده است (ابن‌دُرَید، ۱۹۸۷: ۱۷۱ / ۱)؛ و فراهیدی و مصطفی ابراهیم نیز، فقط از معنای «حزن» خبر داده‌اند (فراهیدی، ۱۳۸۳: ۳۷۵ / ۳؛ ۳۵۷ / ۳؛ مصطفی، ۱۳۸۷: ۲ / ۹۹۵)؛ ولی در غالب متون لغوی، شاهد بیان دو معنای «عزم» (قصد و اراده) و «حزن» (اضطراب و اندوه) برای واژه «هَمَّ» هستیم. (فیومی، ۱۹۸۲: ۲ / ۸۸۲؛ جوهری، ۱۳۷۶: ۵ / ۲۰۶۱ - ۲۰۶۰؛ ابن‌منظور، ۱۴۰۵: ۱۲ / ۶۱۹) البته طریحی از وجود فرق بین دو واژه «هَمَّ» و «قصد» خبر داد و این‌گونه نگاشته است: «واژه «هَمَّ» زمانی به‌کار می‌رود که هنوز شخص اراده بر انجام کاری ننموده و تنها حدیث نفس می‌کند؛ ولی در عین حال توجه و شوق بر انجام آن دارد». (طریحی، ۱۳۷۵: ۶ / ۱۸۸)

### ب) دیدگاه مفسران

امین‌الاسلام طبرسی، در مقام تبیین معنای واژه «هَمَّ»، از معانی چهارگانه: عزم بر کار، خطور چیزی به ذهن انسان، هرچند به مرحله عزم نرسد، نزدیک شدن به انجام کاری، شهوت و میل طبیعی خبر داده است؛ (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵ / ۳۴۲ - ۳۴۱) ولی با مراجعه به متون تفسیری، مشخص می‌شود: یک، همه (یا دست‌کم غالب) مفسران بر این باورند که معنای دو واژه «هَمَّتْ» و «هَمَّ» در فراز مورد بحث، چیزی جز «عزم» (قصد و اراده) نمی‌باشد؛ (عاملی، ۱۴۱۳: ۲ / ۹۹؛ قاسمی، ۱۴۱۸: ۶ / ۱۶۶) دوم، اختلاف تمام (یا دست‌کم غالب) مفسران فریقین در جهت تفسیر فراز: «وَلَقَدْ هَمَّتْ يَهُ وَيَهُ وَيَهُ» مربوط به معنای کاربردی

واژه «هَمَّ» و تبیین چیستی متعلق «عزم» و «اراده» زلیخا و حضرت یوسف علیه السلام در پرتو آن می‌باشد. البته برخی از قرآن‌پژوهان معاصر در جهت تبیین معنای کاربردی ماده «هَمَّ» اعلان داشته‌اند: واژه «هَمَّ»، زمانی به کار می‌رود که انسان عملی را اراده کند، اما آن را انجام ندهد؛ این درحالی است که برخی دیگر، بر این باورند که واژه یادشده در مواردی به کار می‌رود که افزون بر فعل، برخی از مقدمات فعل نیز انجام شده باشد. (ر. ک: گودرزی، ۱۳۹۶: ۹۴؛ به نقل از: مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۱ / ۲۸۶)

#### ج) دیدگاه رشید رضا

رشید رضا، اگرچه اراده معنای «عزم» (قصد) از دو واژه «هَمَّتْ» و «هَمَّ» در فراز: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ وَهَمَّ بِهَا» را می‌پذیرد؛ (رشید رضا، ۱۳۷۲ - ۱۹۳۵: ۱۲ / ۲۷۹) ولی از سوئی ادعا می‌کند: واژه «هَمَّ» در مواردی به کار می‌رود که قصدکننده در انجام فعل، دچار تردید باشد و از ناحیه دیگر، این ادعای خویش را برآمده از نص لغت و سیاق آیه می‌داند. (همان: ۱۲ / ۲۸۶)

#### د) دیدگاه علامه طباطبایی

علامه طباطبایی نیز همانند اغلب مفسران فریقین بر این باور است که معنای دو واژه: «هَمَّتْ» و «هَمَّ» در فراز «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ وَهَمَّ بِهَا»، چیزی جز «عزم» و «قصد» نخواهد بود؛ (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۱ / ۱۳۶ - ۱۲۸) البته وی با لحاظ سیاق جمله «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ» بر این باور است که قصد عمل «سوء» (زنا) و «فحشاء» از سوی زلیخا صادر گشت؛ اما با توجه به اینکه «وَهَمَّ بِهَا» قرینه بر جزاء محذوف «لَهُمْ بِهَا» است و کلمه «لَوْلَا» نیز - که دلالت بر امتناع دارد - شرط متأخر محسوب می‌شود؛ چنین قصدی از ناحیه یوسف علیه السلام محقق نگشت. (همان)

#### د) دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

مؤلف تفسیر تسنیم نیز، پس از نقل معانی چهارگانه واژه «هَمَّ» مذکور در عبارت امین الإسلام طبرسی، و ذکر سخن محمود زمخشری؛ مبنی بر اینکه: «هَمَّام، کسی است که اگر به کاری هَمَّتْ کرد، آن را بدون نکول انجام می‌دهد»؛ (ر. ک: جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۴۰ / ۳۱۹) با طرح عنوان «قصد زلیخا و عدم قصد یوسف علیه السلام» بر این نکته تأکید دارد که معنای مورد نظر از دو واژه «هَمَّتْ» و «هَمَّ» در آیه مورد بحث، چیزی جز «قصد» نمی‌باشد؛ وی به صراحت اعلان داشته است:

حرف «لام» و کلمه «قد» در جمله «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ» نشان تصمیم جدی و اقدام عملی

زلیخا در اجرای نیت پلید وی است و یوسف علیه السلام نیز اگر برهان پروردگارش را ندیده بود، او را قصد می‌کرد؛ اما چون برهان پروردگارش را دید، قصد نکرد ... (همان: ۳۲۰ - ۳۱۹)

#### بررسی

۱. امکان بلکه لزوم اراده معنای «عزم» و «قصد» از دو واژه «هَمَّتْ» و «هَمَّ» در فراز «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ وَهَمَّ بِهَا» باور مشترک بین دانشوران لغوی و تفسیری به‌ویژه رشید رضا، علامه طباطبایی و جوادی آملی محسوب می‌شود؛

۲. به نظر می‌رسد: باور مذکور، افزون بر همخوان بودنش با سیاق آیه ۲۴ سوره یوسف، با مفاد جمع چشمگیری از روایات وارده در جهت تفسیر آن نیز کاملاً سازگاری دارد. (ر. ک: بحرانی، ۱۴۱۶: ۳ / ۱۶۹ - ۱۶۸)

۳. اگرچه رشید رضا، در اراده معنای «قصد» برای «هَمَّ» راه درستی را در پیش گرفته است؛ ولی در اشراب قید «تردید» در تعریف واژه «هَمَّ» (رشید رضا، ۱۳۷۲ - ۱۹۳۵: ۱۲ / ۲۸۶) دچار اقدامی ناصواب شده است؛ زیرا چنین قیدی، نه اجماعی است و نه در منابع معتبر لغت‌شناسی ذکر شده است. (گودرزی، ۱۳۹۶: ۹۴ و ۱۰۲ «اقتباس»)

#### مفهوم واژه «لولا» و نقش کلیدی آن

نقش کلیدی، واژه «لولا» در ساختار و محتوای جمله «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ وَهَمَّ بِهٍ لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهٍ» موجب گردید تا مورد توجه مفسران قرار گیرد؛ بدین جهت، حجم مباحث طرح شده پیرامون این واژه بسیار است؛ مهم‌ترین آنها عبارت است از:

#### الف) کاربردهای متنوع واژه «لولا»

کلمه «لولا»، مرکب از دو حرف «لو» و «لا» است؛ این واژه با سه ساختار «لَوْلَا»، «وَلَوْلَا»، و «فَلَوْلَا»، در ۶۶ آیه از ۳۱ سوره قرآنی به کار رفته است. طبق نقل شرتونی، این کلمه، در زبان و قواعد عرب، دارای سه کاربرد (ر. ک: ۱۳۶۳: شرتونی، ۳: ۱۳۹۳)؛ و به گفته برخی از دانشوران ایرانی، دارای چهار کاربرد می‌باشد. (سجادی، ۱۳۶۳: ۴ / ۹۴) به نظر می‌رسد: کاربرد «شرطیت» و «امتناع جمله دوم به‌وجود جمله اول، مشهورترین آنها است؛ همانند «لولا زید لاکرمته»؛ یعنی «اگر زید نبود، اکرام او را می‌کردم».

#### ب) مهم‌ترین محور اختلاف مفسران در پرتو واژه «لولا»

از گفتار مفسران به خوبی بر می‌آید که آنان در دلالت کلمه «لولا» در فراز: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا»



لا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ» بر «امتناع» اتفاق نظر دارند؛ اختلاف آنان همچون اختلاف نحویان، مربوط به جواز یا عدم جواز تقدّم جواب «لَوْلَا» است؛ کسانی همانند: طبرسی، فخر رازی، بیضاوی، جصاص و ... این تقدم را روا نمی‌دانند؛ (ر. ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۵ / ۳۴۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۸ / ۴۴۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۳ / ۱۶۰؛ جصاص، ۱۴۰۵: ۴ / ۳۸۵) اما دانشورانی همانند: شنقیطی، درویش، و ... آن را بلا مانع دانسته‌اند. (شنقیطی، بی تا: ۲ / ۳۶؛ درویش، ۱۴۱۵: ۴ / ۴۷۱؛ و ...)

نکته شایان توجه اینک: طبق نظر گروه اول، جواب «لولا» محذوف است و صدر آیه با جمله «هَمَّ بِهَا» جمله‌ای کامل است. و در نتیجه، در نفس یوسف علیه السلام «هَمَّ» و قصدی پدید آمده است؛ مفسرانی همانند زمخشری، فخر رازی، بیضاوی، طبرسی، و ...؛ اگرچه در چیستی متعلق قصد یوسف علیه السلام اختلاف نظر دارند؛ ولی تفسیر خود را بر همین وجه بنا نهاده‌اند؛ در حالی که طبق نظر گروه دوم، هیچ «هَمَّ» و قصدی در یوسف علیه السلام پدید نیامده است؛ زیرا در نظر این گروه، جمله «وَهَمَّ بِهَا»، جواب مقدم «لولا» است؛ و در واقع، نظم آیه چنین است: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ وَ هَمَّ بِهَا لَوْ لَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ لَهَمَّ بِهَا». ضمناً نتیجه برآمده از باور مفسران معتقد به محذوفیت جواب «لولا» و دلیل بودن جمله «وَهَمَّ بِهَا» برای آن نیز، هم‌سان با نتیجه همین گروه می‌باشد. (اقتباس از: گودرزی، ۱۳۹۶: ۹۵)

برای آگاهی از موضع صریح سه مفسر مورد نظر در این مقاله، به صورت فشرده، به بازگویی دیدگاه هریک از آنان در جهت مذکور پرداخته می‌شود:

#### ۱. دیدگاه رشید رضا

مؤلف *المنار*، ضمن آنکه دیدگاه کسانی که معتقد به تقدیم جواب «لولا» شده‌اند را خلاف قاعده لغوی دانسته است؛ دیدگاه مفسران معتقد به محذوفیت جواب «لولا» و مستند ساختن آن به جمله «وَهَمَّ بِهَا» را نیز بر نتابیده است؛ او بر این نکته تصریح نمود که پذیرش هریک از این دو دیدگاه، موجب این می‌شود که بگوییم: یوسف هیچ قصدی نسبت به زلیخا نداشته است؛ و چنین سخنی، خلاف تبادر ذهنی از عبارت «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ وَ هَمَّ بِهَا» یا خلاف ظاهر آن می‌باشد. (رشید رضا، ۱۳۷۲ - ۱۹۳۵: ۱۲ / ۲۸۱) با لحاظ مجموعه این بخش از سخنان رشید رضا، به وضوح دانسته می‌شود که وی، سیاق آیه (یعنی فعل شرط مذکور در جمله «لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ») را برای درستی باور به محذوفیت جواب «لولا» را کافی می‌داند.

#### ۲. دیدگاه علامه طباطبایی

علامه طباطبایی، ضمن اشاره کلی به فاسد بودن قول به عدم جواز تقدیم جواب «لولا» بر این نکته تصریح دارد که جواب این کلمه، محذوف است؛ و جمله «هَمَّ بِهَا» را دلیل بر این حذف دانسته است.

(طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱ / ۱۳۴) برخی از مولفان تفاسیر ادبی نیز، کاملاً موافق با این دیدگاه علامه طباطبایی هستند. (ر. ک: ابن عاشور، بی تا: ۱۲ / ۴۸)

### ۳. دیدگاه جوادی آملی

مؤلف تفسیر *تسنیم* ابتدا با اتکاء به گفتار منقول در تفسیر *مجمع البیان*، (ر. ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۵ / ۴۳۳) از وقوع تقدیم و تأخیر در جمله «وَهُمْ يَهَا لَوْ لَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ» خبر داد و این گونه نگاشت: «در این آیه شریف، تقدیم و تأخیر (رخ داده است) و در اصل، این چنین است: «وَوَلَّكَدُ هَمَّتْ يَهْ وَ لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ لَهَمَّ يَهَا وَ لَمَّا رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ لَمْ يَهَمَّ يَهَا»؛ در مرحله بعدی نیز، به صراحت اعلان نمود: «این قول حق است». (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۴۰ / ۳۲۰) این مفسر شیعی، در ادامه گفتارش، پس از نقل دو دلیل زجاج در جهت نفی جواز تقدیم جواب «لولا»؛ به صورت تفصیلی به نقد این باور «زجاج» پرداخت؛ در بخش آغازین این نقد این گونه نگاشته: «این سخن - همان گونه که فخر رازی نیز آن را بعید دانست (رازی، ۱۴۲۰: ۱۸ / ۴۴۱) ناتمام است. فهم این گونه مطالب از کسی که آیات را فقط با ادبیات محاوره‌ای تفسیر می‌کند، انتظار نمی‌رود. در فهم این آیات باید از عقل مدد جست که مصباح ادبیات است. روش زجاج، اسلامی سخن گفتن و جاهلی اندیشیدن است: موجود نبودن استعمال چیزی در کلام فصیح، مقایسه قرآن با سبعة مُلَّقه و مانند آن است؛ غافل از اینکه اساس سبعة معلقه با نزول قرآن فرو ریخت. اصل پنداشتن شعر جاهلی و حمل قرآن بر آن، مردود و نارواست...». (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۴۰ / ۳۲۱ - ۳۲۰)

### بررسی

۱. دیدگاه رشید رضا، به جهت اینکه تقدیم جواب «لولا» را خلاف قاعده لغوی می‌دانست، کاملاً مخالف با دیدگاه علامه طباطبائی و جوادی آملی و بدون برخوردار از یک پشتوانه علمی متقن است.
۲. خلاف قاعده لغوی دانستن دلالت «هَمَّ يَهَا» بر جواب محذوف «لولا» و نسبت این ایده به دیگران توسط رشید رضا نیز؛ ضمن غیرهمخوان بودنش با دیدگاه علامه طباطبایی، نسبتی ناروا محسوب می‌شود؛ زیرا دست‌کم، برخی از نحوین و مفسران، تصریح به جواز این حذف و همخوان بودنش با قواعد لغویه نموده‌اند. (ر. ک: نحاس، ۱۴۲۱: ۲ / ۱۹۹؛ درویش، ۱۴۱۵: ۴ / ۴۷۱؛ دعاس، ۱۴۲۵: ۲ / ۸۴)
۳. اگرچه تصریح مؤلف تفسیر *تسنیم* بر حق بودن جواز تقدیم جواب «لولا» در فراز مورد بحث، غیرهمخوان با دیدگاه علامه طباطبایی است، ولی طبق گفته محی الدین درویش، دلیلی بر امتناع این تقدیم وجود ندارد (درویش، ۱۴۱۵: ۴ / ۴۷۱)

### چیستی «برهان ربّ»

از سیاق آیه ۲۴ یوسف، به خوبی برمی آید: آنچه که موجب گردید تا یوسف علیه السلام از آلوده شدن به «سوء» و «فحشاء» در امان بماند و عصمتش دچار آسیب نگردد، چیزی جز برخورداری او از «برهان ربّ» نبوده است؛ بنابراین، مشخص شدن مقصود از این تعبیر، دارای اهمیت است؛ توجه دیرپای مفسران فریقین به تبیین چیستی این داده الهی به حضرت یوسف علیه السلام، کثرت مباحث مطرح شده در این راستا و نگارش نوشته‌هایی مستقل پیرامون آن (بلوکی، ۱۳۹۹: ۷۴ - ۵۷) می‌تواند شاهد صدقی بر مدعای مذکور باشد؛ برخی از قرآن‌پژوهان، از شکل‌گیری ۲۰ دیدگاه در این زمینه خبر داده‌اند. (پروان و علوی‌مهر، در نوبت انتشار) البته ما از میان مجموعه مباحث مربوطه، به طرح دو بحث مهم و سودمند پیش‌روی بسنده می‌نماییم:

### طرح دیدگاه‌ها در مورد چیستی «برهان ربّ»

واژه مصدری «برهان» که مأخوذ از ماده «بره» می‌باشد، در لغت به معنای «سفید شدن» است؛ ولی اصطلاحاً به هرگونه دلیل محکم و نیرومندی که موجب روشنایی شود و یقین‌آور باشد، «برهان» گفته شده است؛ راغب اصفهانی می‌نویسد: «البرهان: بیان للحجة». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ = ۱۹۹۶: ۱۲۱) به همین ترتیب است که قرآن در آیات: قصص / ۳۲؛ نمل / ۶۴؛ نساء / ۱۷۴، «معجزه» و «حجت قاطع» و «قرآن کریم» را «برهان» نامیده است.

مجموع ذکر شدن واژه ترکیبی «برهان ربّ» در آیه ۲۴ سوره یوسف، موجب گردید تا مفسران فریقین در جهت تعیین چیستی و مقصود از آن، دچار اختلاف گردند و دیدگاه‌های متفاوتی در این زمینه شکل گیرد؛ تنها علامه طبرسی، به نقل پنج قول در این راستا پرداخته است. (ر. ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۵ / ۳۴۵ - ۳۴۴) در ادامه این بخش از مقاله، به ذکر دیدگاه سه مفسر مورد توجه در این نوشتار، بسنده می‌شود:

### الف) دیدگاه رشید رضا

رشید رضا، در آغاز گفتارش پس از نقل جمله «وَهَمَّ بِهَا لَوْ لَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ لَهَمَّ بِهَا» بی‌آنکه توضیح خاصی را در مورد مفهوم «برهان ربّ» ذکر نماید، از آن به‌عنوان مصداقی از مفاد آیه «وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَيَّ أَمْرًا» (یوسف / ۲۱) یاد نموده است؛ وی سپس در ادامه گفتارش، ابتدا از امور سه‌گانه «نبوت»، «معجزه نبوت»، و «مقدمات نبوت» (مقام صدیقیت علیا) به‌عنوان مقصود احتمالی از «برهان ربّ» نام برده است؛ پس از آن، به نقل و نقد تمامی این سه احتمال پرداخته است و مدعی شد: از سوی لغت، عقل، طبع (طبیعت) و شرع، دلیلی بر این احتمالات وجود ندارد؛ حتی در کتب صحاح و غیره، روایت مرفوعه‌ای از

پیامبر اسلام ﷺ در مورد آنها ذکر نشده است؛ او در بخش پایان گفتارش، مدعی شده است: «آنچه ما گفته‌ایم، هم متبادر از لغت و وقایع قصه است و هم مقتضای توصیف‌های الهی از یوسف علیه السلام می‌باشد.» (رشید رضا، ۱۳۷۲: ۱۲ / ۲۷۹ - ۲۷۸)

#### ب) دیدگاه علامه طباطبایی

علامه طباطبایی، پس از بیان معنای لغوی «برهان» و نقل کاربردهای مختلف آن، (ر. ک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱ / ۱۷۳) چنین آورده است: «و اما آن برهانی که یوسف علیه السلام از پروردگار خود دید هر چند کلام مجید خدای تعالی کاملاً روشنش نکرده که چه بوده، اما به هر حال یکی از وسائل یقین بوده که با آن، دیگر جهل و ضلالتی باقی نمانده»؛ علامه در ادامه گفتارش، می‌نویسد: کلام یوسف علیه السلام به وقت مناجات با پروردگار: «وَ إِلَّا تَصْرَفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَ أَكُنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ...»، (یوسف / ۳۳) نیز بر این معنا دلالت دارد؛ و خود دلیل بر این است که سبب مذکور، از قبیل علم‌های متعارف؛ یعنی علم به حُسن و قُبْح و مصلحت و مفسده افعال نبوده؛ زیرا از آیه: «أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَ أَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَيَّ عِلْمٍ» (جاثیه / ۲۳) و آیه «وَ جَحَدُوا بِهَا وَ اسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ» (نمل / ۱۴) به خوبی استفاده می‌شود که این‌گونه علم‌ها گاهی با ضلالت و معصیت جمع می‌شود؛ پس به یقین آن برهانی که یوسف علیه السلام از پروردگار خود دید، همان برهانی است که خدا به بندگان مخلص خود نشان می‌دهد و آن نوعی از علم مکشوف و یقین مشهود و دیدنی است، که نفس آدمی با دیدن آن، چنان مطیع و تسلیم می‌شود که دیگر به هیچ وجه میل به معصیت نمی‌کند»؛ (اقتباس از: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱ / ۱۷۴ - ۱۷۳) علامه در ادامه گفتارش، به نقل و نقد دیدگاه‌های مختلف مطرح شده از سوی دیگران در این راستا (به‌ویژه دیدگاه رشید رضا) پرداخته است. (همان: ۱۷۶ و ۱۷۷)

#### ج) دیدگاه جوادی آملی

مؤلف تفسیر *تسنیم* نیز در مبحث «تفسیری» آیه ۲۴ سوره یوسف و هم در بخش «اشارات و لطایف» مربوط به آن، در جهت تبیین چیستی تعبیر ترکیبی «برهان رب» و مقصود از آن در این آیه تلاشی سودمند و کم‌نظیر به عمل آورده است. (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۴۰ / ۳۴۳ - ۳۲۷) وی در آغاز این بخش از نوشتارش، پس از طرح عنوان «برهان رب»، با استناد به گفتار علامه طباطبایی، به بیان مفهوم لغوی واژه «برهان» پرداخت؛ و این‌گونه نگاشت: «برهان، به معنای سلطان است و در این آیه، سبب یقین‌آوری است که با هیچ جهل و ضلالتی جمع نمی‌شود؛ یعنی نوعی از علم مکشوف و یقین مشهود است که

نفس آدمی با داشتن آن به مقام و طاعتی باز می‌یابد که به گناه میل هم نمی‌کند؛ سپس چنین آورده است: «شهود برهان ربّ، شهود و یافت عارفان و نظیر: «ما كنت أعبد ربّاً لم أره» است؛ نه حکیمانه. برهان رب، به جهاد اکبر اشاره دارد که برتر از جهاد اوسط است...؛ برهان رب، شهود عرفانی و حضور در محضر جمال و جلال الهی است. برهان ربّی که یوسف علیه السلام در آن فضای خاص دید، نور جمال آفرین بود که او را از هر جمال و لذت دیگری آزاد کرد. اهل شهود هرگز کار بد را هم قصد نمی‌کنند» (همان: ۳۲۷) این مفسر گران‌سنگ شیعه در دوره معاصر، در بخش اشارات و لطائف آیه ۲۴ سوره یوسف نیز، به این نکته اشاره دارد که: «دیدن برهان رب، همان مشاهده اسمای حسناى الهی است. مشهود یوسف علیه السلام در مقام شهود برهان رب، ذات و صفات عین ذات نیست». (همان: ۳۳۹)

#### ارزیابی دیدگاه مؤلفان المنار، المیزان و تسنیم در مورد چستی «برهان رب»

در ارزیابی تلاش‌ها و نقطه نظرهای رشید رضا، علامه طباطبایی، و جوادی آملی در جهت تبیین چستی «برهان رب» مذکور در فراز «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَىٰ بُرْهَانَ رَبِّهٖ»، به ذکر چهار نکته بسنده می‌شود:

۱. علامه طباطبائی و جوادی آملی، قبل از پرداختن به تبیین مقصود قرآنی از «برهان رب» به تبیین مفهوم لغوی و بیان کاربردهای مختلف قرآنی واژه «برهان» پرداخته‌اند؛ در حالی که در عبارت رشید رضا، این بُعد از بحث، کاملاً مورد غفلت قرار گرفته است؛

۲. اگرچه، هر سه مفسر به اهمیت والا و نقش کلیدی تعبیر «بُرْهَانَ رَبِّهٖ» در جهت کشف مراد الهی در فراز مربوطه توجه داشته‌اند، ولی علامه طباطبایی و نیز جوادی آملی همچون سایر موارد، با اعمال شیوه تفسیری «قرآن به قرآن» به صورتی قطعی، شفاف و مستند، به تبیین مقصود از آن پرداختند؛ در حالی که رشید رضا تنها به بیان این نکته که او مصداقی از آیه «وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَیٰ أَمْرِهٖ» محسوب می‌شود، بسنده نموده است؛ بی‌آنکه در این راستا، توضیحی را متذکر شود؛

۳. علامه طباطبایی، ضمن نقل دیدگاه‌های مخالفان در مراد از «برهان رب»، به صورت مستقل، به نقد تک‌تک آنها پرداخت؛ در حالی که رشید رضا در این راستا، پس از نقل دیدگاه‌ها و احتمالات طرح شده از سوی دیگران، به ذکر نقد کلی آنها و آوردن عبارت «وأمثال هذه الصور التي رسمتها أخيله بعض رواه التفسير المأثور بما لا يدل عليه دليل من اللغة ولا العقل ولا الطبع ولا الشرع، و لم یرو فی خبر مرفوع إلی النبی صلی الله علیه و آله فی الصحاح و لا فیما دونها» (رشید رضا، ۱۳۷۲: ۱۲ / ۲۷۹) بسنده نموده است؛

۴. جوادی آملی، افزون بر اشاره ضمنی به برخی از دیدگاه‌های مخالف و ذکر مستندات از آیات و

روایات در جهت تایید دیدگاه علامه طباطبایی، در پرتو بحث «اشارات و لطائف» ذیل آیه ۲۴، به صورتی مبسوط، به تبیین نوع مشاهده یوسف علیه السلام از برهان «رب» سخن گفت؛ در حالی که در عبارتهای دو مفسر دیگر (به ویژه رشید رضا)، خبری از پرداختن به این بحث نمی‌باشد.

### تبیین چیستی متعلق «هَمَّتْ» و «هَمَّ»

با توجه به امکان (بلکه لزوم) معنای «اراده» (عزم و قصد) از دو واژه «هَمَّتْ» و «هَمَّ» در فراز: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ وَهَمَّ بِهَا» این پرسش شکل می‌گیرد که متعلق «هَمَّتْ به» و «هَمَّ بها» چیست؟ به تعبیر دیگر: متعلق «اراده» و «قصد» زلیخا و حضرت یوسف علیه السلام چه بوده است؟ آیا متعلق آن دو، امری واحد بوده است یا متفاوت از یکدیگر؟

مفاد متون تفسیری حکایت از این دارد که پاسخ‌دهی به پرسش مذکور، از دیر باز مورد توجه مفسران فریقین بوده است؛ همین موجب گردید تا در این راستا، اختلاف‌های فاحشی در بین آنان بروز نماید و دیدگاه‌های متفاوتی پدید آید و نوشته‌های مستقل و غیرمستقلی در این حوزه تدوین یابد. (ر. ک: ابن عجبیه، ۱۴۱۹: ۴ / ۵۸۷)

با تتبع صورت یافته، روشن گردید که سه نزاع اساسی در بروز این وضعیت تأثیرگذار بوده است:

الف) اختلاف مفسران در معنای کاربردی (و نه لغوی) ماده «هَمَّ» در فراز مورد بحث؛

ب) بروز دیدگاه‌های متفاوت در بین مفسران در جواز یا عدم جواز تقدّم جواب کلمه «لولا»؛

ج) متفاوت بودن مفاد روایات نقل شده در جهت تفسیر فراز: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهٍ». (ر. ک: گودرزی، ۱۳۹۶: ۹۶ - ۹۴)

در ادامه، تنها به بیان و ارزیابی دیدگاه مؤلفان *المنار*، *المیزان* و *تسنیم* و مباحث مرتبط طرح شده توسط آنان پرداخته می‌شود:

### الف) دیدگاه رشید رضا

رشید رضا، ضمن نقل و نقد دیدگاه‌های برخی از مفسران پیشین در جهت تبیین متعلق اراده زلیخا و یوسف علیه السلام به ارائه نظریه‌ای خاص در این راستا روی آورده و برای درست جلوه دادن آن، دلایل چهارگانه‌ای را ذکر نموده است. (رشید رضا، ۱۳۷۲ - ۱۹۳۵: ۱۲ / ۲۸۶ - ۲۷۷) جهت آشنایی با این دیدگاه و امور مربوط به آن، توجه به امور ذیل سودمند خواهد بود:

#### ۱. تبیین دیدگاه

رشید رضا بر این باور بود که متعلق قصد زلیخا و یوسف علیه السلام در قالب فراز: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ وَهَمَّ بِهَا»

مخالطت و آمیزش نبوده؛ بلکه تعدی و دفاعی دو سویه بوده است؛ سخن وی در این راستا چنین است:

جمله «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ» گویای این است که زلیخا به دلیل سرپیچی یوسف از خواسته‌اش، قصد کرد به او حمله کند؛ چراکه خود را سرور یوسف و او را غلام خود می‌پنداشت و غرور خود را شکسته بود و با حيله و زمینه‌سازی و در نهایت با صراحت از او تقاضای همخوابگی کرده بود؛ در حالی که زن‌ها در امر یادشده همواره تقاضا شونده‌اند نه تقاضاکننده ... اما یوسف که غلامی عبری و در زیبایی و کمال و بزرگ‌منشی خارق‌العاده بود، عرف‌شکنی کرده و زلیخا را وادار کرد که مقام و منزلت خویش را فراموش کرده و غرور زنانه و ناز و کرشمه را رها کرده و در مقابل غلامش کرنش کند ... این خواری و سرشکستگی قابل تحمل نیست و این غلام سرکش (یوسف) نیز جز با خوارشدن و انتقام گرفتن از وی، رام و همراه نمی‌شود؛ این اندیشه و راه‌حل در ذهن زلیخا شدت گرفت. در نتیجه درصدد عملی کردن آن برآمد یا دست‌کم اینکه به هنگام خشمناکی بر یوسف حمله کند؛ عمل یادشده در این‌گونه موارد و در هرزمان و مکانی از هر زنی سر می‌زند؛ و این نوع نزاع‌ها در محاکم قضایی بسیارند و به دفعات روزنامه‌ها از این گونه حوادث، گزارش می‌دهند و جمله «وَهَمَّ بِهَا» گویای این است که یوسف نیز قصد کرد حمله زلیخا را دفع کند». (همان: ۲۷۸ - ۲۷۷)

## ۲. مسوقیت دیدگاه

واقعیات موجود در متون تفسیری، حکایت از این دارد که نقش رشید رضا (۱۳۵۴ ق) در طرح این دیدگاه، نقشی ابداعی و اختراعی نبوده؛ زیرا در نگاشته‌های برخی از مفسران پیش از وی نیز شاهد طرح آن هستیم؛ از باب نمونه:

ابن‌عجیبه (۱۲۲۴ ق) در مقام تفسیر فراز: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ وَهَمَّ بِهَا» با عنوان «قیل» چنین آورده است:

گفته شده مقصود آیه این است که زلیخا اراده کرده یوسف را به دلیل نافرمانی، تنبیه کند و یوسف قصد کرد که با ضرب و شتم یا کشتن زلیخا او را از مقصودش بازدارد.

البته ابن‌عجیبه در پایان سخنش، از مردودیت این دیدگاه خبر داد و چنین نگاشته است:

سخن یادشده دور از ذهن می‌نماید و جمله «لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ» آن را رد می‌کند. (ر. ک: گودرزی، ۱۳۹۶: ۱۰۵؛ به نقل از: ابن‌عجیبه، ۱۴۱۹: ۵۸۸ - ۵۸۷ / ۲)

## ۳. دلیل دیدگاه

گو اینکه رشید رضا، تحلیلی را که در پرتو دیدگاه خویش ارائه نمود را، برای اثبات مدعای خویش کافی

دانسته است؛ بدین جهت، در ادامه گفتارش، شاهد ارائه حتی یک دلیل هم در این راستا نیستیم؛ جز اینکه پس از نقل دیدگاه مفسران معتقد به اینکه مقصود از «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ» مخالفت و وقاع (و قصد آمیزش جنسی) بوده است، چهار نقد بر آن وارد نموده است؛ بیان فشرده این نقدها چنین می‌باشد:

الف) هم و قصد به فعل قصدکننده تعلق می‌گیرد و عمل وقاع از افعال زن نیست، تا او بتواند آن را قصد کند ...؛

ب) یوسف از زلیخا درخواست هم‌خوابگی نداشت تا پذیرش آن از جانب زلیخا را هم او بشماریم...؛

ج) برفرض اینکه چنین درخواستی و پذیرشی محقق شده باشد، بهتر این بود این گونه تعبیر شود: «و لقد همّ بها و همّت به»...؛

د) واژه «هم» در موردی به کار می‌رود که شروع در مقدمات فعلی کند که در انجامش تردید دارد و این معنا بر عمل زلیخا (بر اساس مضمون آیات) صدق نمی‌کند ... (رشید رضا، ۱۳۷۲ - ۱۹۳۵: ۱۲ / ۲۸۶ - ۲۸۵)

#### ۴. راهیابی اندیشه رشید رضا در آثار برخی از حوزویان

انتشار دیدگاه رشید رضا، در عین حالی که در طول دوران گذشته، مخالفت جمع چشمگیری از مفسران شیعی و اهل سنت را در پی داشته است؛ ولی مورد استقبال اندک افرادی که سابقه حضور در حوزه‌های شیعی را در کارنامه تحصیلی خود دارند، قرار گرفته و با اندکی تفاوت، در آثار آنان راه یافته است؛ از باب نمونه: نویسنده کتاب جنجالی **شهید جاوید**، در بخشی از کتاب «جمال انسانیت یا تفسیر سوره یوسف» آورده است:

در سوره یوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ، آیه ۲۴، عبارت «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ وَهَمَّ بِهَا ...»؛ بدین منظور نبوده که، زلیخا برای یوسف اظهار تمایل کرده و یوسف نیز تمایل پیدا کردند؛ بلکه منظور این است که وقتی زلیخا (در قسمت قبل آیه) اعلام آمادگی کرد و یوسف نپذیرفت؛ چنان خشمگین شد که به یوسف حمله کرد و اگر خداوند او را حفظ نمی‌کرد او نیز به زلیخا حمله می‌نمود. (صالحی نجف آبادی، ۱۳۷۹: ۶۶)

نکته تأمل برانگیز و شگفتی آفرین اینکه: در ترجمه قرآن حسین انصاریان نیز، شاهد راهیابی، اندیشه رشید رضا هستیم؛ چه آنکه وی در ترجمه آیه ۲۴ سوره یوسف چنین آورده است:

بانوی کاخ [چون خود را در برابر یوسف پاکدامن، شکست خورده دید با حالتی خشم آلود] به یوسف حمله کرد و یوسف هم اگر برهان پروردگارش را [که جلوه ربوبیت و نور



عصمت و بصیرت است] ندیده بود [به قصد دفاع از شرف و پاکی‌اش] به او حمله می‌کرد [او در آن حال زد و خورد سختی پیش می‌آمد و با مجروح شدن بانوی کاخ، راه اتهام بر ضد یوسف باز می‌شد، ولی دیدن برهان پروردگارش او را از حمله بازداشت و راه هرگونه اتهام از سوی بانوی کاخ بر او بسته شد]. [اما] این‌گونه [یوسف را یاری دادیم] تا زد و خورد [ای که سبب اتهام می‌شد] و [انیز] عمل خلاف عفت آن بانو را از او بگردانیم؛ زیرا او از بندگان خالص شده ما [از هرگونه آلودگی ظاهری و باطنی] بود!!!

## ۵. نقد دیدگاه

واقعیات موجود در عرصه‌های علمی حکایت از این دارد که نقد اندیشه رشید رضا در جهت تفسیر آیه ۲۴ سوره یوسف توسط علامه طباطبایی، از جامعیت و اتقانی مناسب برخوردار بوده آراسته به زیور منطق و نقدهایی عالمانه است؛ ولی این موجب نمی‌شود تا کسی این تلاش گران‌سنگ او را در قالب اقدام فرقه‌ای و شیعی جلوه دهد؛ زیرا برخی از مفسران مشهور از اهل سنت نیز، گفته‌های رشید رضا در جهت تفسیر آیه ۲۴ سوره یوسف را بر نتابیده و به صورتی شفاف به نقد آن پرداخته‌اند. (ر. ک: سید قطب: ۱۴۱۲: ۴ / ۱۹۸۲؛ طنطاوی، ۱۹۹۷: ۷ / ۳۴۱)

چکیده نقدهای علامه طباطبایی بر سخنان رشید رضا، در قالب دو نقد ذیل بازگو می‌شود:

۱) تفسیر رشید رضا موجب می‌شود که بین متعلق قصد در دو جمله «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ وَهَمَّ بِهَا» تفرقه ایجاد شود؛ زیرا وی متعلق قصد در جمله «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ» را تعدی و انتقام‌جویی و متعلق قصد در جمله «وَهَمَّ بِهَا» را دفاع و تعدی فرض کرده است و این تفاوت، بر خلاف ظهور آیه است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱ / ۱۳۷)

۲. چنین دیدگاهی، با سیاق آیه سازگاری ندارد؛ علامه در جهت تبیین این نقد، مجموعه فرازهای آیه ۲۴ یوسف را مد نظر قرار داده و این‌گونه نگاشته است: «از سیاق این آیه برمی‌آید که منظور از گرداندن «سوء» (تصمیم بر گناه و میل به آن) و «فحشاء» (زنا) از یوسف علیه السلام، نجات وی است از آنچه که همسر عزیز می‌خواست و به خاطر رسیدن به آن با او مراوده و خلوت می‌کرد و نیز از سیاق آیه برمی‌آید که مشار الیه «كَذَلِكَ»، همان مفادی است که جمله «أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ» مشتمل بر آن است. پس برگشت معنای «كَذَلِكَ لِنُصْرَفَ» به این می‌شود: از آنجایی که یوسف علیه السلام از بندگان مخلص ما بود، ما بدی و فحشاء را به وسیله آنچه که از برهان پروردگارش دید از او بازداشتیم...؛ لازمه این حرف این است که جزاء مقدر «لولا» ارتکاب «سوء» (تصمیم بر گناه و میل به آن) و «فحشاء» (عمل زنا) باشد؛ در نتیجه جمله «لَوْ لَا أَنْ رَأَى...» قید برای «وَهَمَّ بِهَا» می‌باشد؛ لازمه این نیز این است

که «هم» (و قصد) یوسف علیه السلام به زلیخا عینا مانند «هم» او به یوسف علیه السلام یعنی تصمیم بر معصیت باشد؛ با این تفاوت که «هم» یوسف علیه السلام به او، داخل در تحت شرط قرار می‌گیرد و چنین می‌شود: «اگر یوسف برهان پروردگار خود را نمی‌دید او هم ممکن بود قصد (معصیت) کند...». (ر. ک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۱ / ۱۲۸ - ۱۲۷)

### ب) دیدگاه علامه طباطبائی

علامه طباطبایی، پس از نقل اقوال مختلف مفسران عامه و خاصه و نقد پنج دیدگاه مخالف در این زمینه؛ (ر. ک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱ / ۱۴۰ - ۱۳۰) به ذکر دیدگاه خویش و اثبات آن پرداخته است. برای آشنایی با نقطه‌نظرها و دلایل علامه، به بیان امور ذیل بسنده می‌شود:

#### ۱. تبیین دیدگاه

علامه طباطبایی بر این باور است: متعلق اراده «زلیخا» و حضرت «یوسف» علیه السلام، «عمل جنسی» بوده است؛ با این تفاوت که همسر عزیز مصر تصمیم به این کار گرفت و تا آخر هم بر تصمیم خود باقی ماند، ولی موفق نشد؛ اما از جانب یوسف علیه السلام به جهت بهره‌مندی از «برهان رب»، چنین تصمیمی گرفته نشده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱ / ۱۳۰ - ۱۲۷)

#### ۲. مسبوقیت دیدگاه

گاه ممکن است چنین پنداشته شود که علامه طباطبایی، مبتکر، مُبدع، و آفریننده دیدگاه مذکور است؛ در حالی که شواهد موجود در آثار برخی از مفسران شیعی و سنی در قرون پیشین، حکایت از مسبوقیت آن در دوران گذشته دارد. (از باب نمونه: طوسی، ۱۴۱۳: ۶ / ۱۱۹؛ رازی، ۱۴۲۰: ۱۸ / ۴۴۰؛ ابوحنبل اندلسی، ۱۴۲۰: ۶ / ۲۵۷؛ ابن عجبیه، ۱۴۱۹: ۲ / ۵۸۷)

#### ۳. موافقان دیدگاه در دوره معاصر

آثار تفسیری جمع چشمگیری از مفسران فریقین در چند دهه اخیر، حاکی از این است که آنان اگرچه در برخی از مباحث فرعی (از جمله: محذوف بودن جواب «لولا» یا مقدم بودن آن ...) با علامه طباطبایی اختلاف نظر دارند، ولی با اصل این دیدگاه در مورد وحدت متعلق قصد «زلیخا» و حضرت «یوسف» علیه السلام کاملاً موافق می‌باشند. (ابن عاشور، ۱۴۱۹: ۱۲ / ۴۷؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۴ / ۳۰۳؛ سبحانی، ۱۳۷۷: ۱۳ - ۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۹ / ۳۷۲ - ۳۷۰؛ جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۴۰ / ۳۲۰ - ۳۱۹؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۵: جلسه ۱۲؛ قرشی بنابی، ۱۳۷۷: ۵ / ۱۰۵)

#### ۴. دلیل قرآنی دیدگاه

علامه طباطبایی در جهت نقد دیدگاه رشید رضا در جهت تعیین متعلق اراده و قصد زلیخا و یوسف علیه السلام و اثبات دیدگاه خویش، از دو دلیل بهره جسته است:

الف) «سیاق» آیه؛ که برآمده از مجموعه فرازهای سه‌گانه (به‌ویژه فراز اول) آن می‌باشد؛  
ب) پذیرش دیدگاه مقابل، موجب می‌شود که بین متعلق قصد در دو جمله «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ وَ هَمَّ بِهَا» تفرقه ایجاد شود؛ زیرا باورمندان به آن، متعلق قصد در جمله «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ» را تعدی و انتقام‌جویی و متعلق قصد در جمله «وَلَقَدْ هَمَّ بِهَا» را دفاع و تعدی فرض کرده‌اند؛ و این تفاوت، بر خلاف ظهور آیه است.  
(طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱ / ۱۲۸ - ۱۲۷)

#### ۵. مؤید روایی دیدگاه

مفاد پاره‌ای از روایات مندرج در متون روایی شیعه (صدوق، ۱۴۰۴: ۱ / ۲۰۱، ۱۹۵، ۱۹۳، ۱۹۱؛ همو، ۱۴۱۷: ۱۰۳) کاملاً همخوان با دیدگاه علامه طباطبایی است؛ از باب نمونه، در روایت منقول از امام رضا علیه السلام چنین آمده است: در مجلسی، مأمون از امام رضا علیه السلام پرسید: آیا شما به عصمت پیامبران اعتقاد دارید؟ حضرت فرمود: آری؛ مأمون پرسش‌هایی کرد و در میان پرسش‌هایش گفت: آیه «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ وَ هَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهٍ» را چگونه توجیه می‌کنید؟ آن حضرت فرمود: زلیخا قصد کام‌گیری از یوسف علیه السلام داشت و بر انجام گناه عزم کرد و یوسف علیه السلام هم اگر برهان پروردگارش را نمی‌دید بر انجام آن عمل، عزم می‌کرد؛ اما یوسف علیه السلام معصوم است و انسان‌های معصوم نه عزم بر گناه می‌کنند و نه آن را انجام می‌دهند. (صدوق، بی‌تا: ۱ / ۴۰۹)

#### ارزیابی

۱. این دیدگاه، افزون بر همخوان بودنش با ساختار آیه مورد بحث و همگون بودنش با مفاد برخی از روایات قابل اعتناء و اعتماد، با عقیده «ضرورت عصمت پیامبران از هرگونه معصیت و گناه» نیز کاملاً سازگاری دارد؛

۲. از جملات آغازین مذکور در این بخش از عبارت علامه طباطبایی (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱ /

۱۲۷) چنین برمی‌آید که سیاق آیه ۲۴ سوره یوسف، مهم‌ترین دلیل قرآنی وی محسوب می‌شود؛

۳. از بخش‌های بعدی گفتار علامه طباطبایی (همان: ۱۲۸ - ۱۲۷) به خوبی برمی‌آید که ایشان،

سیاق مورد اشاره را، برآمده از امور ذیل می‌دانست:

الف) حذف جواب «لَوْلَا» و دلیل بودن جمله «وَلَقَدْ هَمَّ بِهَا» برای آن؛

ب) قید بودن جمله «أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ» برای جمله «وَهُمْ بِهَا»؛

ج) تصریح به اینکه مشار الیه «كَذَلِكَ» همان مفادی است که جمله «أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ» مشتمل بر آن است؛ در نتیجه، معنای این جمله چنین خواهد بود: «از آنجایی که یوسف علیه السلام از بندگان مخلص ما بود، ما بدی و فحشاء را به وسیله آنچه که از برهان پروردگارش دید از او بازگرداندیم.

د) تأکید بر مفاد جمله «إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلِصِينَ» و بیان این مطلب که: شأن بندگان مخلص این است که برهان پروردگار خویش را می بینند و خداوند هر سوء و فحشایی را از آنان دور می کند؛ پس هرگز مرتکب معصیت نمی شوند و به واسطه شهود برهان الهی که همان عصمت است، قصد گناه نیز نمی کنند. علامه طباطبایی در سخن دیگری، درباره چگونگی عصمت «مُخْلِصِينَ» چنین نگاه داشته است:

خداوند برخی از بندگانش را بر استقامت فطرت و اعتدال خلقت آفرید. آنها از همان ابتدا دارای اذهانی تیز و ادراکی صحیح، جان‌هایی پاک و قلوبی سلیم بودند و با همین صفای فطرت و سلامت نفس، از نعمت اخلاصی برخوردار شده‌اند که دیگران با کوشش آن را کسب می کنند و از آنجا که از پلیدی موانع به دور بوده‌اند، اخلاصشان برتر است. اینان در عرف قرآنی، همان مخلصین‌اند و مخلصین همان پیامبران و امامان‌اند. خداوند به آنان علمی عطا کرده که با وجود آن علم، محال است گناه کوچک یا بزرگی از آنان سر بزند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶۲ / ۱۱)

۴. باور به محذوفیت جواب «لولا» و قید بودن جمله «أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ» برای جمله «وَهُمْ بِهَا» در متون تفسیری برخی از مفسران پیشین نیز سابقه دارد. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲ / ۴۵۶؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰: ۶ / ۲۵۷؛ شنقیطی، بی تا: ۲ / ۳۶)

۶. نتیجه برآمده از دیدگاه معتقدان به محذوف بودن جواب «لولا» در جمله مذکور، همسان با نتیجه دیدگاه باورمندان به جواز تقدیم جواب «لولا» (رازی، ۱۴۲۰: ۱۸ / ۴۴۱؛ شنقیطی، بی تا: ۲ / ۳۶) خواهد بود؛ یعنی بر پایه هر دو دیدگاه، هیچ «هم» و قصدی در یوسف علیه السلام پدید نیامده است.

ج) دیدگاه جوادی آملی

جهت آگاهی با اصل دیدگاه این مفسر بزرگ پیرامون وحدت و یا تعدد متعلق «زلیخا» و «یوسف» و دلایل وی در ترجیح گزینه اول و نفی دوم، به ذکر سه نکته بسنده می شود:

#### ۱. تبیین دیدگاه

با ملاحظه و تأمل در مجموعه مباحث مطرح شده در جهت تفسیر آیه ۲۴ سوره یوسف در تفسیر تسنیم،

به وضوح می‌یابیم که دیدگاه مؤلف آن، کاملاً با دیدگاه علامه طباطبایی (یعنی وحدت متعلق اراده «زلیخا» و «یوسف») موافق می‌باشد و همانند استاد کبیرش بر این باور است که «همسر عزیز مصر، پس از ناکامی از مراد و شنیدن جواب ردّ یوسف علیه السلام وی را قصد کرد تا نقشه و خواسته‌اش را عملی سازد... و یوسف علیه السلام نیز اگر برهان پروردگارش را ندیده بود، او را قصد می‌کرد؛ اما چون برهان پروردگارش را دید، قصد نکرد - چنان که هیچ گرایشی هم نبود - ... (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۴۰ / ۳۲۰ - ۳۱۹)

نکته شایان توجه اینک: مؤلف تفسیر تسنیم، چه در جهت تعیین متعلق اراده «زلیخا» و «یوسف علیه السلام» و چه در تبیین مقصود از «برهان ربّ»؛ به طرح دیدگاه خویش و اثبات آن از طریق قرآن و حدیث بسنده نموده است و از طرح دیدگاه و دلایل مخالفانی همانند رشید رضا و غیره بصورت شفاف و مستقیم، کاملاً پرهیز نموده است؛

## ۲. دلایل دیدگاه

صاحب تفسیر تسنیم، برای اثبات مدعای خویش، پس از بهره‌گیری از سیاق آیه «هَمَّتْ بِهٍ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهٍ» و تقدیم جواب «لولا» برای اثبات مدعای خویش، با طرح عنوان «ادله قرآنی عصمت یوسف علیه السلام در کلام فخر رازی»، به مفاد آیات مختلفی از سوره یوسف در این راستا استناد نموده و به ذکر هفت دلیل پرداخته است؛ (همان: ۳۳۴ - ۳۳۰) وی در بحث «اشارات و لطایف» مربوط به آیه مورد بحث، کوشیده است با طرح پاره‌ای از مباحث عرفانی مقبول در نزد شرع و عقل نیز، در جهت اثبات معصومیت یوسف علیه السلام بهره جوید. (همان، ۴۴۶ - ۳۵۱)

## ۳. ارزیابی دیدگاه (تبیین تنها نقطه اختلاف «تسنیم» با «المیزان»)

متن تفسیر تسنیم و المیزان گویای این است که در طرح مباحث کلیدی مربوط به تفسیر آیه ۲۴ سوره یوسف، اختلافی بین مؤلفان این دو تفسیر مهم شیعی وجود ندارد؛ تنها نقطه اختلاف بین آن دو عبارت است از: «تقدیم» جواب «لولا» و یا محذوفیت آن؛ زیرا علامه طباطبایی، ضمن فاسد و باطل دانستن قول به عدم جواز تقدیم جواب «لولا»، بر این نکته تصریح دارد که جواب این کلمه در آیه مورد بحث، محذوف است و جمله «هَمَّ بِهَا» را دلیل بر این حذف دانسته است؛ (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱ / ۱۳۴) در حالی که آیت‌الله جوادی آملی، در عین حالی که دیدگاه زجاج (مبنی بر عدم جواز تقدیم جواب «لولا») را قبول ندارد و دو برهان در جهت نقد آن اقامه نموده است؛ ولی ابتداءً به نقل از علامه طبرسی آورده است: «در آیه شریفه، تقدیم و تاخیر (رخ داده) و در اصل چنین است: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ وَ لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهٍ لَمْ يَهْمَّ بِهَا وَ لَمَّا رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهٍ لَمْ يَهْمَّ بِهَا...»؛ سپس اعلان داشته است: «این قول حق است». (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۳۲ / ۴۰)

## نتیجه

۱. در شمار آیات مشکله قرآن قرار گرفتن آیه ۲۴ سوره یوسف و گره خوردن فراز آغازین آن با عصمت یوسف علیه السلام موجب گردید تا تفسیر این آیه از دیر باز مورد توجه مفسران فریقین قرار گیرد؛
۲. نزاع اصلی بروز یافته در میان مفسران فریقین، ناظر به تعیین متعلق دو واژه «هَمَّتْ» و «هَمَّ» (و تعیین متعلق اراده زلیخا و یوسف علیه السلام) است و نه تبیین مفهوم لغوی ماده «هَمَّ» و کاربردهای قرآنی آن؛
۳. مؤلف تفسیر *المنار*، ضمن اتفاق نظر نسبی با مؤلف تفسیر *المیزان*، و *تسنیم*، در بیان اموری همچون: مفهوم لغوی ماده «هَمَّ»، معصوم دانستن یوسف علیه السلام، مجعول و موضوع دانستن روایات مورد استناد دیدگاه‌های مخالف؛ ولی دیدگاهش در جهت تعیین متعلق قصد زلیخا و یوسف علیه السلام، سخت متفاوت با دیدگاه مؤلفان دو تفسیر مذکور می‌باشد؛
۴. باور رشید رضا این است که متعلق اراده زلیخا و یوسف علیه السلام قصد سوء و فحشاء نبوده است؛ زیرا زلیخا پس از احساس عدم موفقیت در کامیابی از یوسف علیه السلام قصد تعدی و ضرب و شتم وی را در سر پروراند و یوسف علیه السلام هم متقابلاً در پی دفاع از خود برآمد؛
۵. علامه طباطبایی و جوادی آملی بر این عقیده‌اند که: متعلق اراده زلیخا و یوسف علیه السلام عبارت است از قصد «سوء» و «فحشاء» با این تفاوت که زلیخا، هم قصد ارتکاب این عمل منافی را در سر داشته و هم برای تحقق آن تلاش نمود؛ اگرچه به مقصود خویش دست نیافت؛ ولی یوسف علیه السلام، نه تنها برای عملیاتی نمودن این فعل حرام اقدامی ننمود؛ بلکه به جهت برخوردار بودنش از «برهان رب»، قصد آن هم نکرده است؛
۶. علامه طباطبایی، ضمن بهره‌گیری از قرائن درونی (سیاق آیه و ... و برون‌ی (آیات و روایات وارده در باب عصمت انبیاء الهی) در جهت اثبات مدعای خویش و نقد تمامی دیدگاه‌های مخالف به‌ویژه به نقد دیدگاه رشید رضا پرداخت؛ و بر این نکته تصریح و تاکید دارد که باور به عدم تعلق اراده زلیخا و یوسف علیه السلام به ارتکاب «سوء» و «فحشاء» و فرض قصد تعدی از ناحیه زلیخا و قصد دفاع از سوی یوسف علیه السلام، با سیاق آیه و ظاهر آن همخوانی ندارد؛
۷. اگرچه علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی در جواز تقدیم جواب کلمه «لولا» اتفاق نظر دارند؛ ولی علامه بر این باور است که در آیه ۲۴ سوره یوسف، جواب آن محذوف است و جمله «وَهَمَّ بِهَا» دلیل بر آن است؛ اما عقیده آیت‌الله جوادی آملی با اتکاء به نظریه امین‌الاسلام طبرسی این است که در این آیه، جواب «لولا» حذف نشده است؛ تنها تقدیم و تأخیر صورت پذیرفته است؛ یعنی تعبیر «وَهَمَّ بِهَا»، جواب مقدم کلمه «لولا» است.

## منابع و مأخذ

### الف) کتابها

#### - قرآن کریم.

- رشید رضا، محمد، ۱۳۷۲ ق / ۱۹۳۵ م، المنار، مصر، دار المنار.
- زرقانی، محمد عبد العظیم، بی تا، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، بیروت، دار الكتاب العربی، سوم.
- سجادی، سید جعفر، ۱۳۶۳ ش، فرهنگ معارف اسلامی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- سید قطب، ۱۴۱۲ ق، فی ظلال القرآن، بیروت، دار الشروق.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ ق، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ابن ذرید، محمد بن حسن، ۱۹۸۷ م، جمهرة اللغة، تحقیق رمزی منیر بعلبکی، بیروت، دار العلم للملایین.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۴۱۰ ق، متشابه القرآن و مختلفه، همراه با مقدمه علامه شهرستانی، قم، بیدار.
- ابن عاشور، محمد طاهر، ۱۴۱۹ ق، التحریر و التنویر، تونس، دار نحنوس.
- ابن عجبیه، احمد بن محمد، ۱۴۱۹ ق، البحر الممدید فی تفسیر القرآن المجید، تحقیق: احمد عبدالله القرشی رسلان، قاهره، دکتر حسن عباس زکی.
- ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب، ۱۴۲۲ ق، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن منظور، محمد، ۱۴۰۵ ق، لسان العرب، قم، ادب الحوزه.
- ابو حیان اندلسی، محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ ق، البحر المحیط، بیروت، دار الفکر.
- أحسانی، ابن ابی جمهور محمد بن زین الدین، ۱۴۰۵ ق، عوالی اللئالی العزیزة فی الأحادیث الدینیة، قم، دار سید الشهداء علیه السلام.
- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۶، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت.
- جصاص، احمد بن علی، ۱۴۰۵ ق، أحكام القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۵ ش، تسنیم، قم، اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۳۷۶، الصحاح، بیروت، دار العلم للملایین.

- دارقطنی بغدادی، ابوالحسن علی بن عمر، ۱۳۸۷ ش، السنن، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تیان.
- درویش، محیی‌الدین، ۱۴۱۵ ق، اعراب القرآن و بیانه، سوریه، دار الارشاد.
- دعاس، حمیدان، قاسم، ۱۴۲۵ ق، اعراب القرآن الکریم، دمشق، دار المنیر و دار الفارابی.
- رازی، ابوالفتح حسین بن علی، ۱۴۰۸ ق، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمدجعفر یاحقی، محمدمهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، مفاتیح الغیب / التفسیر الکبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۶ ق / ۱۹۹۶ م، مفردات الفاظ القرآن، بیروت و دمشق، دار القلم و الدار الشامیة.
- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۲۱ ق، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دار الکتب العربی.
- شرتونی، سعید، ۱۳۹۳ ش، اقرب الموارد، تهران، اسوه.
- شریف‌الرضی، محمد بن حسین، ۱۳۹۱ ش، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه امیرالمومنین علیه السلام.
- شنیطی، محمدامین، بی تا، اضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن، بیروت، عالم‌الکتب.
- صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله، ۱۳۷۹ ش، جمال انسانیت یا تفسیر سوره یوسف علیه السلام، تهران، امید فردا، چ ۲.
- صبحی صالح، ۱۳۷۲ ش، مباحث فی علوم القرآن، قم، الشریف‌الرضی.
- صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی، ۱۳۸۷، علل الشرائع، تحقیق مهدی لاجوردی، تهران، جهان.
- صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی، ۱۴۰۴ ق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، بیروت، مؤسسه اعلمی.
- صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی، ۱۴۱۷ ق، الأملی، تهران، بنیاد بعثت.
- صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی، بی تا، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ترجمه حمیدرضا مستفید و علی‌اکبر غفاری، تهران، صدوق.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۴ ش، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۸۸ ش، قرآن در اسلام، قم، بوستان کتاب چ ۳.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۹۰ ش، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ ش، مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران، ناصرخسرو، چ ۳.



- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵ ش، مجمع البحرین، تحقیق احمد حسینی، تهران، کتابفروشی مرتضوی،

### چ ۳.

- طنطاوی، محمد، ۱۹۹۷ م، تفسیر الوسیط، قاهره، دار النهضة.

- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۳ ق، التبیان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

- عاملی، علی بن حسین، ۱۴۱۳ ق، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، قم، دار القرآن الکریم.

- عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ ش، کتاب التفسیر، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه.

- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۳۸۳ ش، ترتیب کتاب العین، تحقیق ابراهیم سامرائی، تصحیح اسعد

### طیب، قم، اسوه، چ ۲.

- فیومی، احمد بن محمد، ۱۹۸۲ م، المصباح المنیر، مصر، مطبعة الأمیریة بالقاهرة، چ ۷.

- قاسمی، جمال الدین محمد، ۱۴۱۸ ق، محاسن التاویل، بیروت، دار الکتب العلمیه.

- قرشی بنابی، سید علی اکبر ۱۳۷۷ ش، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، چ ۳.

- متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام، ۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۵ م، کنز الاعمال، بیروت، موسسه الرساله.

- مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۹۵ ش، نقش امدادهای الهی در هدایت و موفقیت مؤمنان؛ درس اخلاق،

### خبرگزاری مهر ۹.

- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰ ش، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- مصطفی، ابراهیم با همکاری دیگران، ۱۳۸۷ ش، المعجم الوسیط، بی جا، صادق، چ ۶.

- مغنیه، محمد جواد، ۱۴۲۴ ق، الکاشف، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴ ش، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب اسلامیه.

- نحاس، ابو جعفر احمد بن محمد، ۱۴۲۱ ق، اعراب القرآن، بیروت، دار الکتب العلمیه.

- یضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ ق، أنوار التنزیل و أسوار التأویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

### ب) مقاله‌ها

- آسه، جواد، ۱۳۹۸ ش، «نقدی بر توجیه اعرابی و تفسیر آیه ۲۴ سوره یوسف در کتاب الأثر

العقدی»؛ پژوهشی‌های زبانشناختی قرآن، ش ۱۶، ص ۱۴۴ - ۱۲۹، اصفهان، دانشگاه اصفهان.

- بلوکی، افضل؛ محمد علی مصلح‌نژاد، ۱۳۹۹ ش، «تحلیل مفهوم واژه‌های ربّ و برهان در آیه «لولا

أن رأی برهان ربّه»، مطالعات تفسیری، ش ۴۱، ص ۷۴ - ۵۷، قم، دانشگاه معارف اسلامی.

- پروان، صدیقه، و حسین علوی مهر، بی تا، «نگرشی نو به برهان رب»، *مطالعات تفسیری*، آماده انتشار، قم، دانشگاه معارف اسلامی.
- رضی بهابادی، بی بی سادات و نرجس جواندل، ۱۳۹۳ ش، «نقد و بررسی مقاله عصمت از دایرةالمعارف قرآن لایدن بر اساس آراء و مبانی شیعه»، *شیعه شناسی*، ش ۴۸، ص ۱۸۰ - ۱۱۹، قم، مؤسسه شیعه شناسی.
- سبحانی، جعفر، ۱۳۷۷ ش، «تفسیر آیات مشکله قرآن مجید»، *درس های از مکتب اسلام*، سال ۳۸، ش ۱، قم، مؤسسه در راه حق.
- گودرزی، محمد، ۱۳۹۶ ش، «المنار در آینه المیزان (تحلیل و بررسی نقدهای علامه طباطبایی بر تفسیر المنار)»، *نقد کتاب قرآن و علوم دینی*، ش ۹ و ۱۰، تهران، خانه کتاب.

